

## تحلیل روش اجتهادی شیخ انصاری در مسئله نزع بئر و کاربرد آن در فقه موسیقی

مسعود داوودی پورا<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف اصلی مقاله، تحلیل رویکرد شیخ انصاری در استنباط احکام فقهی و کاربرد این روش در مسائل جدید فقهی، به ویژه فقه موسیقی است و نشان می‌دهد چگونه روش اجتهادی ایشان می‌تواند به عنوان الگویی برای حل مسائل پیچیده فقهی در حوزه‌های نوین مانند فقه موسیقی مورد استفاده قرار گیرد. این مطالعه از نوع تحلیلی - تطبیقی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به بررسی منابع فقهی، روایی و اصولی مرتبط با مسئله نزع بئر و فقه موسیقی پرداخته است. داده‌های تحقیق از طریق تحلیل محتوای متون فقهی، روایات و آراء فقها جمع‌آوری شده‌اند.

روش تحلیل داده‌ها مبتنی بر بررسی تطبیقی روش‌شناسی شیخ انصاری در مسئله نزع بئر و تطبیق آن بر مسئله استماع موسیقی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که شیخ انصاری با بررسی دقیق احتمال‌ها و قرائن موجود در ادله فقهی، به جای تکیه بر اجماع و سیره متشرعه، به استنباط احکام براساس ظهور ادله و تحلیل عمیق احتمال‌ها می‌پردازد. در مسئله نزع بئر، ایشان با رویکردی دقیق و نواندیشانه، دلایل مشهور فقها مبنی بر نجاست آب چاه را مورد نقد قرار داده و به این نتیجه رسیدند که ظهور ادله، دلالت بر نجاست ندارد. در تطبیق این روش بر فقه موسیقی، مشخص شد که ادله موجود تنها در مواردی بر حرمت موسیقی دلالت دارند که با اعمال حرام یا مفساد اخلاقی و اجتماعی ملازم باشند. بنابراین، براساس مبانی ایشان استماع موسیقی به خودی خود حرام نیست؛ بلکه حرمت آن در مواردی است که با اعمال حرام همراه باشد. این مطالعه نشان می‌دهد که روش اجتهادی شیخ انصاری، با تأکید بر تحلیل احتمال‌ها و ظهور ادله می‌تواند به عنوان الگویی کارآمد در استنباط احکام فقهی در حوزه‌های نوین مانند فقه موسیقی مورد استفاده قرار گیرد. این رویکرد می‌تواند به توسعه فقه نظام‌ساز و پاسخ‌گویی به مسائل جدید در جوامع اسلامی کمک کند.

**واژگان کلیدی:** نزع بئر، اجماع فقها، سیره متشرعه، شهرت فتوایی، روش اجتهاد، فقه موسیقی.



## ۱. مقدمه

فقه نظام‌ساز به‌عنوان یکی از رهیافت‌های نوین در مطالعات فقهی، به‌دنبال ارائه چارچوب‌هایی جامع و کاربردی برای استنباط احکام در سطح نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. این رویکرد، فراتر از پاسخ‌گویی به مسائل جزئی تلاش می‌کند تا با نگاهی کلان، بنیان‌های نظری و عملی نظام‌های مطلوب را از دل منابع دینی استخراج کند. یکی از مهم‌ترین نیازها در این مسیر، بازخوانی و تطبیق روش‌های اجتهادی متفکران برجسته فقه شیعه با رویکرد نظام‌سازی است. در این میان، روش اجتهادی شیخ انصاری به‌دلیل جامعیت و عمق تحلیلی، الگوی ارزشمندی برای بررسی مسائل فقهی با این رویکرد به‌شمار می‌آید.

روش اجتهاد، فرآیندی است که در آن، با ایجاد یک چهارچوب منظم و عملی برای استنباط، یک دیدگاه جامع شکل می‌گیرد. این روش بر پایه انتخاب یک رویکرد مشخص، استفاده از دانش موجود شامل نظرات و متون دینی و به‌کارگیری تکنیک‌های تخصصی برای استخراج معانی از منابع دینی استوار است. شیخ انصاری، به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین فقهای شیعه، با ارائه روش‌های بدیع در استنباط، نقشی بی‌بدیل در توسعه دانش فقه ایفا کرده‌است. روش اجتهادی ایشان، مبتنی بر بررسی دقیق و عمیق تمامی احتمالات، به‌ویژه در موضوعات پیچیده و مناقشه‌برانگیز می‌تواند الگویی برای حل مسائل فقهی با رویکرد نظام‌ساز باشد.

در مسئله نزع بئر، شیخ انصاری با نگاهی تازه به روایات و فتاوی گذشته، به بررسی و تحلیل عمیق این موضوع پرداخته‌اند. در دوران قبل از علامه حلی، نجاست ماء البئر که با نجاست بدون تغییر رنگ، بو و مزه ملاقات کرده، به‌عنوان یک مسئله مسلم در نظر گرفته می‌شد و فقها براساس روایات، به نزع آب چاه برای حفظ طهارت آن فتوا می‌دادند. شیخ انصاری با تحلیلی نوین، به این مسئله نزدیک شد و با بررسی همه جوانب، به نتایجی دست یافتند که می‌تواند به‌عنوان یک الگوی تحلیلی در مسائل فقهی و نظم اجتهادی دیگر نیز به کار رود.

رهبر معظم انقلاب در دیداری درباره فقه هنر، به این مسئله اشاره داشتند که نسبت به شعب گوناگون - در مورد غنا و مجسمه‌سازی - باید حدومرز مشخص



کرد. بعضی از این فتاوی معروف هم که در بین فقها معروف است، وقتی انسان عمقیابی می‌کند - مثل همان قضیه‌ی منزوجات بثر که تا زمانی به گونه‌ای می‌گفتند و بعد به کلی عوض شد - واقعاً همان جور است؛ یعنی روی احتیاط [بوده است]. همین مسئله‌ی مجسمه‌سازی یا همین مسئله‌ی غنا از این قبیل است. (<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31931>)

براساس این سخن می‌توان با تطبیق روش اجتهادی شیخ انصاری در مسئله نوح بثر بر فقه موسیقی، به شناخت حد و مرز و چگونگی عمقیابی در مسائل فقهی دست پیدا کرد. در این مقاله، تلاش شده است تا روش استنباطی شیخ انصاری با تأکید بر تحلیل مسئله نوح بثر بازخوانی شود و ظرفیت‌های آن برای پرداختن به موضوعات جدید در فقه مضاف، همچون فقه موسیقی، مورد ارزیابی قرار گیرد.

### ۱-۱. پیشینه تحقیق

عبادی، حسین (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای حکم غنا و موسیقی از دیدگاه فیض کاشانی، شیخ انصاری و مقام معظم رهبری»، به تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های سه فقیه برجسته در خصوص حکم غنا و موسیقی پرداخته است. نویسنده با بررسی آیات و روایات مرتبط، نظرات این فقها را مقایسه کرده و به تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در فتاوی آنان اشاره نموده است.

قاسمی، ابراهیم و جوادی صدر، محسن (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نسبت فقهی حلیت غنا به فیض کاشانی و تطبیق آن با فقه حنفی» با توجه به شخصیت علمی و اخلاقی فیض کاشانی، کاوشی در مورد معنای لغوی و اصطلاحی پدیده غنا، آرا و ادله قائلان به حرمت و حلیت موضوع غنا از منابع تشریح، به خصوص در بین فقهای امامیه و فقه حنفی داشته است. در ادامه، انتساب فتوای حلیت غنا به فیض کاشانی، ادله ایشان و بازخورد فتوای ایشان در بین فقها بررسی و نقد شده است.

ایمان‌دار، حمید و علی‌اکبری بابوکانی، احسان (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «سوء برداشتی تاریخی در مسئله غنا با نگاهی به نظریه شیخ انصاری» با بررسی مفاهیم لهو، صوت لهوی و غنا، به تحلیل دیدگاه شیخ انصاری در خصوص حرمت غنا پرداخته است.



امیری، مرجان (۱۳۹۳) در تحقیق خود با عنوان «بررسی تطبیقی مفهوم و احکام غنا از دیدگاه شیخ انصاری، محقق سبزواری و فیض کاشانی» به مقایسه دیدگاه‌های سه فقیه در خصوص غنا و احکام آن پرداخته است.

مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی - تطبیقی، برای نخستین بار به تطبیق روش اجتهادی شیخ انصاری در مسئله نزع بئر با مسئله فقه موسیقی پرداخته است. در حالی که پژوهش‌های پیشین به صورت عمده به تحلیل دیدگاه‌های شیخ انصاری در خصوص غنا و موسیقی محدود بوده‌اند.

این مقاله با بررسی ساختار استدلالی و روش‌شناسی اجتهادی ایشان نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از این روش در مواجهه با مسائل نوپدید فقهی بهره‌برداری کرد. این رویکرد، افق‌های جدیدی را در فقه مضاف، به ویژه فقه هنر و رسانه می‌گشاید و بر ضرورت بازخوانی روش‌های اجتهادی سنتی با رویکرد پاسخ‌گویی به مسائل معاصر تأکید می‌ورزد.

## ۱-۲. تعریف مفاهیم پژوهش

نزع بئر: نزع بئر که در کتاب‌های فقهی بخش طهارت مورد بحث قرار می‌گیرد، به معنای برداشتن آب از چاه با استفاده از سطل است. فقهای گذشته این عمل را به عنوان یکی از روش‌های تطهیر شناخته و به کار برده‌اند. این روش، به ویژه در مواقعی که آب چاه با نجاست ملاقات کرده ولی بدون تغییر در رنگ، بو و مزه باقی مانده، به عنوان یکی از راه‌های حفظ طهارت آب مورد استفاده قرار می‌گرفته است. (عاملی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۷)

موسیقی: در فقه، در مسئله آلات موسیقی مطرح می‌شود. در تعریف آلات موسیقی گفته‌اند: «ابزاری که برای نواختن موسیقی ساخته شده و در این جهت کاربرد دارد». (شاهرودی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۱۳۹)

لهو: در معنای لهو گفته‌اند: «سرگرمی و خوشگذرانی است که غالباً انسان را از یاد خدا و آخرت غافل می‌سازد». (تبریزی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲۵)



## ۲. توضیح اجمالی مسئله نوح بثر

موضوع مسئله به آب چاهی<sup>۱</sup> بازمی‌گردد که با نجاستی ملاقات می‌کند بی‌آن‌که رنگ، بو و یا مزه آن تغییر کند. در این حالت جمعی از فقها فتوای به نجاست آب چاه داده‌اند. حکم مسئله در رابطه با شیوه طهارت آب چاه از نجاست است. آن‌گونه که در کتب فقهی بیان شده است طهارت به وسیله نوح و کشیدن مقداری از آب میسر خواهد بود؛ اما فتاوی با توجه به نوع نجاست در مقدار آبی که باید برای طهارت از چاه بیرون کشیده شود، تفاوت می‌کند.

به‌طور مثال، شهید اول مقادیر نوح را این‌گونه بیان کرده است: «۱- وجوب نوح تمام آب چاه در مردار شتر، مردار گاو نر، خمر، مسکر مایع، دماء ثلاثه و فقاغ؛ ۲- وجوب نوح آب چاه به مقدار کُر در مردار اسب، مردار الاغ و مردار گاو ماده؛ ۳- وجوب نوح هفتاد سطلی که به‌طور معمول از آن چاه برای بیرون کشیدن آب استفاده می‌کنند، در مردار انسان؛ ۴- وجوب نوح پنجاه سطل متعارف در خون کثیر و فضله تر انسان؛ ۵- وجوب نوح چهل سطل متعارف در مردار روباه، مردار خرگوش، مردار گوسفند، مردار خوک، مردار سگ، مردار گربه و بول مرد؛ ۶- وجوب نوح سی سطل متعارف در آب بارانی که با بول یا فضله انسان مخلوط شده؛ ۷- وجوب نوح ده سطل متعارف در فضله خشک انسان و خون کم؛ ۸- وجوب نوح هفت سطل متعارف در مردار پرنده، مردار موش بادکرده، بول صبی، غسل جنب در چاه و سگ زنده؛ ۹- وجوب نوح پنج سطل متعارف در فضله مرغ جلال؛ ۱۰- وجوب نوح سه سطل متعارف در مردار موش، مردار قورباغه و مردار عقرب؛ ۱۱- وجوب نوح یک سطل متعارف در گنجشک». (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۲۳)

## ۳. تاریخچه مسئله نوح بثر

با نگاه تاریخی به کتب حدیثی شیعه این مسئله در روایات راویانی چون: ابو بصیر، حلبی، علی بن جعفر، علی بن ابی حمزه، عمّار ساباطی، سعید بن هلال، ۱. مجمع ماء نابع من الأرض لا يتعداها غالباً ولا يخرج عن مستأها عرفاً... فالأولى وكوله إلى العرف. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۳)



سماعه یزیدبن معاویه، ابی اسامه، ابی العباس فضل، علی بن یقطين، معاویه بن عمّار و اصحاب دیگر از امام صادق (ع) وجود داشتند؛ این روایان در باب میاه، تطهیر المیاء، البُئْرِ وَ مَا یَقَعُ فِیْهَا و در عنوان حکم آبار توسط مرحوم کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی نقل کردند.

با وجود این روایت‌ها، فتاوی فقهای قرن چهارم از جمله صدوق اول در مسئله تطهیر چاهی که با نجاست تماس داشته ولی تغییری در رنگ، بو و مزه آن اتفاق نیفتاده، به سمت وجوب نزع به مقدار مشخص از آن چاه رفته و بعد از آن در کتب «مقنعه» شیخ صدوق، «المبسوط» شیخ طوسی، «السرائر» ابن ادريس و «شرائع الاسلام» محقق حلّی این فتوا رایج بوده است؛ اما در کتاب «نهایة» علامه حلّی در ذیل مسئله این عبارت دیده می‌شود: «و عندی أنّ ذلک کله مستحب». (علامه حلّی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۶۰) این عبارت در حالی در کلمات علامه دیده می‌شود که فقهای قبل از او همه فتوای به وجوب نزع داده بودند و حتّی فقهای هم عصر و بعد از ایشان با استناد به این که حکم وجوب نزع بین فقهای بزرگ شیعه، امری مسلم است، گرایش به فتوای وجوب نزع پیدا کرده‌اند.

با بررسی آثار فقهی پس از دوران علامه حلّی، به ویژه در زمان شهید اول و شهید ثانی مشاهده می‌شود که فقهای آن دوران همچنان بر فتوای وجوب نزع بئر پافشاری داشته‌اند؛ اما در قرن یازدهم مرحوم محمدتقی مجلسی در رابطه با حکم چاه ملاقی با نجاست این چنین می‌نویسد: «پاک است و پاک‌کننده؛ و چون نجاستی در آن افتد، اگر متغیّر نشود یعنی رنگ و طعم و بوی او تغییر نگردد، پلید نشود». (مجلسی اول، ۱۴۰۰ق، ص ۴)

بعد از ایشان محقق سبزواری و در دوران بعدی شیخ حرّ عاملی با ارائه عنوان روایات باب نزع بئر به «بَابُ عَدَمِ نَجَاسَةِ مَاءِ الْبُئْرِ بِمَجْرَدِ الْمَلَأَةِ مِنْ غَیْرِ تَغْیِیرٍ وَ حُكْمِ التَّنْزِیحِ» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۷۰) فتوای به عدم وجوب نزع در مورد مسئله داده‌اند. بعد از این دوران می‌توان گفت که دیدگاه فقها در فتوی به استحباب نزع مورد تأکید قرار گرفت.



#### ۴. ادله وجوب نوح بئر

مرحوم شیخ انصاری در توضیح نجاست آب چاه به صرف ملاقات با نجاست دلایلی را به این شیوه مطرح می‌کند: «۱- فتاوای اکثر علما به نجاست از جمله صدوقی اول و دوم، سید مرتضی، شیخ مفید، شیخ طوسی، سائر، ابن‌ادریس، ابن‌سعید، محقق حلّی، فاضل‌نراقی، شهید اول و شهید ثانی؛ ۲- اجماع منقول از طرف علمایی چون شیخ صدوق - تا جایی که گفته‌است «إِنَّهُ مِنْ دِينِ الْإِمَامِيَّةِ» - شریف مرتضی، ابن‌زهرة، ابن‌ادریس و کاشف‌الرموز؛ ظاهر کلام شیخ طوسی در «تهذیب» و «استبصار» و کلام محقق حلّی در کتاب «الرسائل التسع» نیز بر وجود اجماع در مسئله دلالت می‌کند که محقق این نقل‌ها را مستفیض می‌داند. ۳- اخبار متواتری که در کتاب «وسائل» در باب‌های ۱۵ تا ۲۲ از ابواب ماء مطلق ذکر شده‌است». (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۵-۱۹۷)

#### ۵. ادله استحباب نوح بئر

از کلمات علامه حلّی این‌گونه می‌توان دریافت که ایشان آب چاه ملاقی با نجس بدون تغییر اوصاف ثلاثه آن را متنجّس نمی‌داند. ادله ایشان از این قرار است: «۱- روایت نقل‌شده از امام رضا (ع): «ماء البئر واسع لا یفسده شیء، إلا أن یتغیّر ریحه أو طعمه». (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۰) ۲- اگر این آب نجس شود دیگر امکان ندارد که پاک گردد؛ چون راه طهارت آب چاه، نوح است و منزوح متنجّس همواره ملاقی با آب چاه است و آب چاه همیشه نجس می‌ماند. (علامه حلّی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۳۵) در نتیجه آب چاه اساساً به طهارت نیازی ندارد و بحث از شیوه طهارت آن بی‌فایده است.

#### ۱-۵. نظم اجتهادی شیخ انصاری در مسئله نوح بئر

شیخ انصاری در ردّ دلایل نجاست و وجوب نوح بئر، دو نکته مهم را مطرح می‌کند:

**نکته اول:** روایت‌ها به‌طور مستقیم بر نجاست دلالت ندارند؛ بلکه به‌عنوان



دستورالعمل‌هایی برای نزع بئر آمده‌اند. این روایات‌ها بیشتر در جهت بیان استحباب‌های مرتبط با نزع بئر هستند. شیخ انصاری این روایات‌ها را در کتاب «الطهارة» خود آورده و نشان داده‌است که ظهور آن‌ها در نجاست نیست.

**نکته دوم:** در صورتی که روایات به نجاست ماء البئر دلالت داشته باشند و این شیوه‌های طهارت به‌عنوان وظیفه شرعی مطرح شده باشند، با توجه به شواهد و قرائن موجود، این روایات باید به گونه‌ای تفسیر شوند که حکم به استحباب نزع داده شود، نه وجوب آن؛ شواهد این ادعا عبارتند از:

۱. روایات مصرّح طهارت ماء البئر به هنگام عدم تغییر اوصاف مانند روایت صحیحه محمد بن اسماعیل بن بزیع که می‌فرماید: «ماء البئر واسع لا یفسده شیء إلا أن یتغیّر ریحه أو طعمه، فینزع منه حتّی یدهب الریح و یطیب طعمه». (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۴۱)

۲. روایات طهارت ماء البئر در حالت مفروض، مخالف فتوای عامه است.

۳. موافقت طهارت ماء البئر با عمومات طهارت ماء.

۴. اگر نجاست ثابت باشد موجب حرج شدید می‌شود.

۵. روایات‌های نجاست واحده و نجاست‌های متعدده را در مقدار دلاء منزوحه، متفاوت در نظر گرفته‌اند.

۶. تعارض اخبار در مقدار نزع با استحباب تناسب بیشتری دارد تا با وجوب که موجب طرح بعض روایات‌ها است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۷-۲۰۷)

## ۲-۵. روش اجتهادی و ادله شیخ انصاری در برخورد با مسئله نزع بئر

مطالعه آثار فقهی و اصولی شیخ انصاری نشان می‌دهد که ایشان در تلاش برای رسیدن به نتیجه‌گیری در هر مسئله، به بیان حداکثری دلایل ممکن می‌پردازند. برای نشان دادن این ادعا می‌توان به این بخش از متن کتاب «فرانداالاصول» که مربوط به بحث «اثبات عدم وجوب اجتناب در شبهات غیر محصوره» است، اشاره کرد: «إنّ اکثرهم لا یخلو من منع او قصور، لكن المجموع منها لعلّه یفید القطع او الظن بعدم وجوب الاحتیاط فی الجملة و المسئلة الفرعیة یکتفی فیہ بالظن». (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۳۵)



شیخ انصاری، فقیه اصولی صاحب نظر در عرصه اجتهاد، پس از آن که شش وجه در جهت اثبات عدم وجوب اجتناب از شبهات غیر محصوره را بیان می کند، (همان، ج ۲، ص ۴۳۰-۴۳۵) متن مذکور را به عنوان حاصل پژوهش خود ارائه می دهد. وی به استثنای وجه اول، یعنی اجماع منقول، سایر وجوه را به تنهایی ناتوان از اثبات مطلوب می داند؛ اما با کنار هم قرار دادن آن ها و ایجاد نوعی تعاضد حلقوی میان وجوه مختلف، مجموع آن ها را برای اثبات مدعا کافی می انگارد؛ به این استناد که این مجموعه یا موجب قطع است یا دست کم ظنی معتبر فراهم می سازد که در هر دو صورت قابلیت استناد دارد. (علیدوست، ۱۴۰۳، ص ۱۳۵)

هر چند مسئله عدم وجوب اجتناب از شبهات محصوره، چه به طور مطلق و چه در برخی موارد، در متون اصولی مطرح شده است، اما به لحاظ ماهیت، از مسائل فرعی فقهی محسوب می شود و در این گونه مسائل می توان به ظن اعتماد کرد و براساس آن فتوا صادر نمود. با این حال، شیخ انصاری در مرحله ای دیگر از بحث نیز، به وجه اول به تنهایی برای اثبات مدعا بسنده نمی کند و آن را در کنار سایر وجوه قرار می دهد؛ چراکه مبنای اصولی وی اقتضای عدم اعتماد مستقل بر اجماع منقول را دارد. (همان) این رویکرد که به دنبال ارتباط مستقیم با واقعیت است، در پی یافتن تطابق کامل با حقیقت مطلق است. شیخ انصاری با این نگرش، در هر مسئله به دقت و با احتیاط عمل می کنند تا به اطمینان و یقین برسند. این نوع نظریه پردازی نشان دهنده تعهد ایشان به دستیابی به دانش دقیق و معتبر است و تلاش برای فهم عمیق تر واقعیت های فقهی را منعکس می کند؛ اما با توجه به عدم دسترسی قطعی به منابع یقین آور، راه رسیدن به تطابق صددرصدی با موانع ذیل مواجه است:

۱. جهل به مناطات احکام در بیشتر مسائل؛ (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۶۲)
۲. ماهیت نقلی ادله که خود مانعی در استنباط احکام فقهی ایجاد می کند: الف - تبدیل معانی به الفاظ می تواند به خطا منجر شود؛ زیرا فرآیند جایگزینی معنا در لفظ، پیچیده و خطاپذیر است. ب - موانع داخلی کلام، یعنی وجود قرآنی که ممکن است با متن اصلی در تضاد باشند. ج - موانع خارجی کلام، مانند تحریف که می تواند معنای اصلی را تغییر دهد. (همان، ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۶) د - از بین رفتن منابع روایی که



نشان می‌دهد بخشی از ادله ممکن است در طول زمان از دست رفته باشند و این امر بر استنباط احکام تأثیر می‌گذارد. (همان، ج ۱، ص ۱۶۲) ه - مشکلات مربوط به نسخه‌های روایت مانند تقطیع و نقل به معنا که می‌تواند بر فهم و تفسیر متون دینی تأثیر بگذارد. و - فهم شخصی فقیه که در تفسیر ادله و استنباط احکام نقش مهمی دارد.

قابل توجه است که مراد شیخ انصاری از «ظنّ»، «ظنّ خاص» نیست؛ زیرا در غیر این صورت، این اشکال وارد می‌شد که ظنّ حاصل از مجموعه‌ای از وجوه نامعتبر، ظنّ خاص به‌شمار نمی‌آید. افزون بر این، اگر منظور ایشان ظنّ خاص بود، تعبیر «و المسئلة فرعية يكتفي فيها بالظنّ» توجیه‌پذیر نبود؛ در حالی که می‌دانیم در سیره علمی شیخ انصاری، ظنّ خاص به‌راحتی در مسائل اصولی و فقهی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بنابراین، تردیدی نیست که مقصود ایشان از این ظن، ظنی است که از چند وجه مستقل و در ظاهر نامعتبر به‌دست آمده است؛ اما فاقد مانع شرعی برای اعتماد فقیه به آن است و در عمل، بهترین راه قابل حصول برای صدور فتوا به‌شمار می‌رود. البته پیروان این مکتب فقهی، زمانی به چنین ظن‌هایی استناد می‌کنند که راه دست‌یابی به علم یا حجّت علمی - به‌معنای رایج آن - مسدود باشد و به نوعی به انسداد برسند؛ چنان‌که روشن است این سطح از انسداد در آثار و مبانی فکری شیخ انصاری مورد پذیرش قرار گرفته است. (علیدوست، ۱۴۰۳ش، ص ۱۴۰-۱۴۱)

### ۳-۵. عبارت‌های «الظاهر» و «التحقیق» در ابتدای دیدگاه‌های شیخ انصاری

مطالعه روش اجتهادی شیخ انصاری را با بیان مطالبی که گذشت، به این صورت می‌توان بیان کرد: تعبیری که ایشان در ابتدای تمامی فتاوی استدلالی و نظریه‌پردازی‌ها به‌کار می‌برند، استفاده از جملاتی چون «الظاهر» و «التحقیق» است. کلمه «الظاهر» دارای معنایی در مباحث الفاظ علم اصول‌فقه است که در فهم مراد از ادله لفظی کارایی دارد و در علم اصول‌فقه از آن به‌عنوان صغرای حجّیت ظهور یاد می‌کنند. ظهور یعنی «معنای مرجح - از میان چند معنا - برای لفظ در



مواردی که لفظ دست کم دارای دو معنا است که احتمال اراده یکی بیش از دیگری است». (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۵۵۷) در واقع به آن معنایی که احتمال بیشتری دارد، ظهور لفظی می‌گویند؛ اما تعبیر به لفظ ظهور، در ابتدای جمله‌هایی که شیخ انصاری به هنگام بیان دیدگاه خود استفاده می‌کند، به معنای دیگری استفاده شده است که بی‌ربط به معنای ظهور لفظی نیست؛ چراکه در این جملات نیز لفظ «الظاهر» به جهت بیان فهمی از مراد شارع با توجه به ادله‌ای است که تنها منحصر در ادله لفظی نیست.

در واقع «الظاهر» بیانگر این است که دیدگاه مطرح شده از طرف شیخ انصاری از مجموع ادله، به این صورت استفاده شده که در فهم مراد شارع یک سری احتمال‌هایی وجود داشته که یک احتمال نسبت به احتمال‌های دیگر دارای ارجحیت بوده است و در عین حال احتمال‌های دیگر از مراد شارع وجود دارد که در نزد عقلا قابل اعتنا نیستند. در این نوشتار از این معنای ظهور تعبیر به ظهور در میدان تحقیق می‌شود.

مرور چند نمونه از تعبیر شیخ به «والظاهر» این توجه را می‌دهد که منظور ایشان از ظهور، ظهور لفظی نیست؛ بلکه ظهور مانند عبارتی که در مسئله تجزی آورده‌اند به معنای ظهور در میدان تحقیق است: «فالظاهر: أنَّ العقل إنما يحكم بتساويهما في استحقاق المذمة من حيث شقاوة الفاعل و خبث سريره مع المولى، لا في استحقاق المذمة على الفعل المقطوع بكونه معصية». (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۴۱) شیخ انصاری در این عبارت برای اثبات قبح فاعلی تجزی، به بیان یک دلیل عقلی پرداخته است بدون آن‌که از ادله لفظی استفاده کرده باشد؛ اما در عین حال، در ابتدای کلام از لفظ «الظاهر» استفاده کرده است که این نشان می‌دهد مراد از الظاهر، ظهور در میدان تحقیق است.

عبارت دیگر شیخ انصاری در تحقیق کلام خود در مسئله جواز یا عدم جواز احتیاط در عبادت‌هایی که احتیاط در آن‌ها مستلزم تکرار است، به این صورت آمده است: «لكن الظاهر - كما هو المحكى عن بعض - ثبوت الاتفاق على عدم جواز الاكتفاء بالاحتياط إذا توقف على تكرار العبادة». (همان، ج ۱، ص ۷۱) این عبارت بیان می‌کند که احتیاط در عبادت‌هایی که احتیاط مستلزم بر تکرار فعل عبادی است،



کافی از امثال امر محوّل نیست. شیخ انصاری برای اثبات دیدگاه خود به اجماع تمسک کرده؛ اما تعبیر به «الظاهر ثبوت الاتفاق» کرده است که در حقیقت حکم به اثبات عدم کفایت امثال احتیاطی در عبادت‌هایی که لازمه احتیاط در آن‌ها تکرار است، کرده است؛ به این صورت که ابتدا از مجموع ادله، تمامی احتمال‌هایی که در مسئله وجود دارد را در نظر گرفته سپس به واسطه اجماع، احتمال عدم کفایت امثال احتیاطی در عبادت‌های مذکوره را نسبت به سایر احتمال‌های موجود در مسئله، پررنگ کرده است. در مرحله بعد در میدان ادله عقلی مانعی پیدا نکرده است تا از حکم به این احتمال که در ظاهر به‌واقع نزدیک‌تر است، جلوگیری کند. در عین حال، هم احتمال وجود مانع با توجه به ظنی بودن احتمال ترجیح داده شده وجود دارد؛ اما این نوع احتمال‌ها توسط عقلا قابل اعتنا نبوده است و در نتیجه حکم به احتمال ارجح داده می‌شود.

درواقع وجود عبارت‌هایی مانند «والظاهر» و «والتحقیق» در کلام شیخ انصاری به مراحل مختلف فرآیند استنباط و تحلیل فقهی اشاره دارند: مرحله اول، بررسی و در نظر گرفتن تمامی احتمالات ممکن در مسئله با توجه به شواهد و ادله موجود. مرحله دوم، «والتحقیق»: ترجیح دادن یکی از احتمالات براساس دلیلی که ظن قوی‌تری ایجاد می‌کند. مرحله سوم: ارزیابی و در نظر گرفتن موانعی که ممکن است مانع از اطمینان به احتمال ظنی شوند. مرحله چهارم: رد موانع احتمالی با استناد به حکم عقلا؛ به این معنا که احتمالاتی که عقلا به آنها اعتنا نمی‌کنند، کنار گذاشته می‌شوند. نتیجه این فرآیند چهار مرحله‌ای، اثبات یک حکم اطمینانی است که براساس دلیل ظنی ترجیح داده شده است. این روش نشان‌دهنده تلاش شیخ انصاری برای رسیدن به دقت و اطمینان در استنباط احکام فقهی است.

در فرآیند استنباط فقهی شیخ انصاری، مرحله چهارم می‌تواند به‌نحوی پیش رود که مانع احتمالی، توجه عقلا را به خود جلب کند. اگر این مانع از احتمال اصلی که در ابتدا ترجیح داده شده بود، قوی‌تر باشد، مراحل سوم و چهارم باید مجدداً بررسی شوند. در نهایت، ممکن است مجتهد به این مانع احتمالی اطمینان پیدا کند و براساس آن حکم صادر کند. این روند نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و دقت در روش استنباطی شیخ است.



در توصیف روش شیخ انصاری در ارائه نظریه، ایشان ابتدا تمامی جوانب مسئله را بررسی می‌کنند و یک فرضیه احتمالی را مطرح می‌نمایند. سپس به احتمالات مخالف که ممکن است از نظر عقلا قابل توجه باشند، توجه می‌دهند. اگرچه اغلب این احتمالات را قابل اعتنا نمی‌دانند؛ اما در صورتی که احتمالات مخالف قابل توجه باشند، مانند مورد نوح بئر، شیخ انصاری حتی خبر صحیح را کنار می‌گذارند. این به آن معنا است که شیخ انصاری ظنون معتبره‌ای مانند خبر واحد را تنها زمانی حجّت می‌دانند که احتمال مخالف قابل اعتنا نباشد. به عبارت دیگر، شیخ ظنون خاصه را نه به دلیل خصوصیت ظن بودن، بلکه با ردّ احتمالات مخالف می‌پذیرند. اطمینان نقطه پایانی برای ارائه نظریه است؛ هر چند اطمینان قطع نیست؛ ولی از منظر مرحوم شیخ، عقلا به همین حد، حکم به لزوم اتباع می‌دهند.

#### ۵-۴. حجّت روش استنباط شیخ انصاری بر اساس اطمینان

تحلیل روش اجتهادی شیخ انصاری نشان می‌دهد که ایشان به دنبال رسیدن به یک فهم عمیق و اطمینانی از احکام شرعی هستند. با توجه به محدودیت‌های ذهنی و دسترسی به ادله، شیخ انصاری بر این باورند که رسیدن به علم قطعی از طریق اجتهاد طبیعی نیست. به همین دلیل، شارع به اجتهاد تشویق کرده و روش خاصی برای آن ارائه نداده است که این خود نشان‌دهنده پذیرش روش عقلانی در استنباط احکام است. روایات متعددی نیز وجود دارند که این نگرش را تأیید می‌کنند و نشان می‌دهند که معصومین (ع) نیز این روش را مدنظر داشته‌اند. اگرچه گاهی اوقات نتایج اجتهادی به واقعیت نمی‌رسیدند؛ اما به دلیل این که اکثر اوقات تفکرات مجتهدان در مسیر متعارف و قابل قبول بوده، شیخ انصاری این روش را مورد قبول قرار داده‌اند. در نهایت، افزایش مسائل اصولی را می‌توان به عنوان واکنشی عقلانی به منابع از دست‌رفته تلقی کرد که این رویکرد حتی در زمان معصومین به صورت خفیف وجود داشته و مورد تأیید قرار گرفته است. این تحلیل بر حجّت اطمینانی تأکید دارد که از روش عقلانی در استنباط احکام حاصل می‌شود.

البته در مقابل این روش، مکتب اصولی دیگر بیشتر بر «حجّت ظنّ خاص» و



«اصول عملی» تأکید دارند. در این دیدگاه، روشی مانند تجمیع قرائن یا ظهور در میدان تحقیق، جایگاه برجسته‌ای ندارد و فقیه باید به قواعد ثابت اصولی مانند اصالة البراءة و احتیاط پایبند بماند. براساس این مبنا در مسئله حجّیت ظنون، شارع مقدّس طریق خاصی همچون خبر واحد را به صورت تعبّدی معتبر دانسته و آن را حجّت قرار داده‌است. به تعبیر دیگر، از نگاه ایشان، حجّیت خبر واحد برخاسته از امضای شارع نسبت به این نوع از ظنّ خاص نیست؛ بلکه اعتبار آن مبتنی بر جعل تعبّدی و تشریحی است که از سوی شارع به‌عنوان یک طریق خاص برای کشف واقع تعیین شده‌است، نه به دلیل کاشفیّت نوعی یا وثوق عقلایی آن. (خوبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۷۰ و ص ۲۳۴-۲۳۷)

## ۵-۵. احتمال‌های مورد اعتنای عقلا از دید شیخ انصاری

اکنون به دو قرینه اطمینان‌بخش در نزد شیخ اشاره می‌شود که در مسئله نزع بئر قابلیت استفاده دارد:

موقعیت مسئله در تاریخ فقه: در نگاه رجالی و نقلی، تاریخچه مسئله می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر استنباط فقهی داشته باشد. این تأثیر ممکن است به قدری باشد که حتّی مسائل اصولی را تغییر دهد. این تأثیرگذاری بستگی به مبانی رجالی، اعتبار راویان (ثقه یا غیرثقه بودن) و میزان دسترسی به واقع دارد. شیخ انصاری که دسترسی مستقیم به واقع نداشت؛ به شدّت تحت تأثیر این شرایط قرار گرفته‌است و در استنباط‌های خود به‌طور گسترده‌ای از اجماع منقول استفاده می‌کند. ایشان حتّی گاهی به اجماع مدرکی نیز تمسّک می‌جویند تا سند و دلالت را تقویت کنند و به واقعیت نزدیک‌تر شوند.

نظم و تعامل عوامل در میدان تحقیق: تقدّم و تأخّر رتبی عوامل، وزن افراد هر رتبه و تأثیرگذاری هر کدام از عوامل در آن نقطه، وزن اطمینان در نگاه شیخ انصاری را تشکیل می‌دهد. به‌طور مثال، در فرض تعارض شهرت و اجماع این‌گونه سخن می‌گوید: «و ما ربّما یظهر من العلماء: من التّوقف فی العمل بالخبر الصّحیح المخالف لفتوی المشهور أو طرحه، مع اعترافهم بعدم حجّیة الشّهرة، فلیس من جهة مزاحمة الشّهرة



لدلالة الخبر الصحيح من عموم أو إطلاق، بل من جهة مزاحمتها للخبر من حيث الصدور؛ بناء على أن ما دلّ من الدليل على حجّية الخبر من حيث السند لا يشمل المخالف للمشهور؛ ولذا لا يتأملون في العمل بظواهر الكتاب و السنة المتواترة إذا عارضها الشهرة». (شیخ انصاری، ۱۴۲۸ق، ص ۱۶۹-۱۷۰) در این حالت اجماع و شهرت هیچ تأثیری در دلالت نمی‌کند؛ بلکه تأثیر در ناحیه صدور است.

## ۶. تبیین روش ظهور در میدان تحقیق در مسئله نوح بثر

قسمتی از کتاب «الطهارة» شیخ انصاری، شرح مزجی کتاب «الطهارة شرایع الاسلام» است و قسمتی دیگر شرح مزجی «ارشاد الاذهان» است. مسئله نوح بثر در قسمت شرح شرایع واقع شده است. به همین جهت کلام در مسئله از سؤال «شرائع الاسلام» شروع می‌شود: «و هل ینجس بالملاقاة؟» (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۵) آیا آب چاه با صرف ملاقات نجس می‌شود؟ شیخ انصاری در ابتدای امر با بیان اسامی موافقان با نجاست به صرف ملاقات، ادعای شهرت محصله برای خود می‌کند، سپس اجماعات منقول در مورد نجاست ماء البئر را نقل می‌کند. در ادامه به ادله قائلین به نجاست اشاره می‌کند که عبارتند از: نقل مستفیض از صحابه، اخبار متواتره و اجماعات منقول معتضد به شهرت عظیمه؛ سپس ادله نقلی را بیان می‌کند و تا جایی که می‌تواند در ظهور آن‌ها خدشه وارد می‌کند که شیوه او برای خدشه، بیان ظهور در نجاست و احتمال‌های خلاف عقلایی است. شیخ انصاری بعد از ثبات ادله دال بر نجاست، احتمال‌های خلاف در مسئله را به این ترتیب بیان می‌کنند:

- ۱- مخالفت جمهور «أمّا الإجماع و الشهرة فموهونان بما عرفت من الخلاف من كثير من العلماء». (شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۹۸) ۲- اختلاف روایات در مقدار نوح؛ ۳- جمله خبریه بودن برخی روایات مورد ادعا؛ ۴- اختلاف روایات در مقدار نوح برخی عناوین نجسه، اگر برای وجوب باشد، جمع عرفی آن باید منتج به تخییر شود که خلاف اجماع است. ۵- بیان مقدار سطلی که نوح با آن صورت می‌گیرد، اظهر در استحباب است و معنای تطهیر در روایات حمل بر ازاله نفرت می‌شود.
- ۶- وجوب نوح جمیع، در برخی عناوین نجسه وارد شده در روایات خلاف اجماع



است. ۷- تعارض با صحاح مستفیضه که در دلالت قوی‌تر هستند؛ از جمله: صحیحۀ محمدبن اسماعیل بن بزيع، صحیحۀ علی بن جعفر، صحیحۀ معاویة بن عمّار و اخبار دیگر به این مضامین؛ ۸- فساد مستند قائلین به نجاست معلوم است. ۱۰- وجود قرائن کثیره بر استحباب؛ ۱۱- عمومات و اصل طهارت؛ ۱۲- بناء و عمل بر طبق نجاست آب چاه حرج شدید دارد.

در روش فقاهتی شیخ انصاری نتیجه‌گیری براساس احتمالات و قرائن به عدم نجاست آب چاه می‌انجامد؛ اما برای رسیدن به اعتبار اطمینانی، لازم است که تمامی احتمالات ممکن بر نجاست آب چاه نفی شوند. شیخ انصاری با مطرح کردن احتمالات مختلف و ارائه راه‌حل‌هایی برای رفع آن‌ها، به دنبال تقویت اعتبار و اطمینان نظریه خود است. لذا احتمال دارد ادله وجوب نزع آب چاه، آن را به عنوان یک امر تعبّدی واجب کرده باشد؛ چه نجاست برای لب چاه ثابت شود و چه این‌گونه نباشد و آب پاک باشد؛ اما این احتمال قابل اعتنا نیست؛ چراکه لازمه این تعبّد، تعبّدی بودن مقادیر نزع در موارد تغییر رنگ، بو و مزه است که نمی‌توان به آن ملتزم شد. چراکه ممکن است بعد از نزع این مقادیر، باز هم تغییر در رنگ، بو و مزه آب از بین نرود و هیچ‌کس قائل به پاک بودن چنین آبی نیست. بنابراین با توجه به این گزارش مطرح شده، شیخ انصاری عدم نجاست و عدم وجوب تعبّدی نزع را نتیجه گرفته‌اند.

## ۷. روش‌شناسی شیخ انصاری در برخورد با دیدگاه‌های علمادر مسئله نزع بئر

با نگاه به شیوه فقاهتی شیخ انصاری دریافت می‌شود که ایشان نظر ویژه‌ای نسبت به اقوال فقها دارند؛ به خصوص هنگامی که به حدّ اجماع و یا شهرت برسند، نشانه‌های این ادعا در بحث نوع چهارم از مکاسب محرّمه بسیار مشهود است. ایشان در ابتدای تک‌تک عناوین «ما یحرم الاکتساب به لکونه عملاً محرّماً فی نفسه» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۱۶۳) سخن از انظار علما، اجماع و یا شهرت به میان آوردند. در روش اجتهادی شیخ انصاری، دیدگاه‌های فقها نقش مهمی در رسیدن به اطمینان دارند و اغلب به عنوان قرائن اولیّه در نظر گرفته می‌شوند. با این حال، این تأثیرگذاری تا زمانی است که احتمال مخالف معتبری وجود نداشته باشد که



به اطمینان آسیب بزند. در نتیجه، همواره امکان دارد که یک مسئله مورد اجماع قرار گیرد؛ اما نظر فقیه برخلاف آن باشد. این رویکرد در مسائلی که با تغییرات زمانی روبه‌رو هستند، بسیار مؤثر است. به‌عنوان مثال، شیخ انصاری در مسئله مجسمه‌سازی، حرمت کسب را محدود به مجسمه‌های عبادتی کرده که به قصد حرام ساخته شده و مورد مبادله قرار گرفته‌است. (همان، ج ۱، ص ۱۱۲)

## ۸. تطبیق روش اجتهادی شیخ انصاری در نظام فقه موسیقی

همان‌گونه که در توضیح روش اجتهادی شیخ انصاری و تطبیق آن بر مسئله نوح بثر آمد، عمق‌یابی در میدان تحقیق می‌تواند قیوداتی که حکم‌ساز است را در دستان فقیه قرار دهد. بنابراین، در این قسمت به‌صورت کلی، مباحثی که ممکن است به‌عنوان احتمال‌های مؤثر در فتاوی‌ای مربوط به فقه موسیقی مطرح باشد، به‌صورت روش‌مند بر طبق روش ظهور در میدان تحقیق بیان گردد.

در قسمتی از کتاب «مکاسب محرّمه» شیخ انصاری، عناوین عامی وجود دارد به نام «حرمت کسب‌وکار به‌وسیله اعمالی که این اعمال فی‌نفسه و به‌خودی‌خود حرام هستند» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۸۵) و «حرمت کسب‌وکار به ابزاری که استفاده از آن‌ها در اعمال حرام است» (همان، ج ۱، ص ۱۱۷) که دو مسئله از این عناوین به‌طور خاص از جهاتی به فقه موسیقی مربوط می‌شود. آن دو مسئله، مسئله غنا و آلات لهوی هستند. شیخ انصاری در این دو مسئله، به بیان ادله اثبات حرمت غنا و حرمت استفاده از ابزار لهوی می‌پردازد؛ اما سخن از احکام موسیقی به میان نمی‌آورد؛ بلکه تنها از جهت وجود مفهوم لهو با دو مسئله مذکور می‌تواند دارای اشتراک‌هایی از جهت شکل‌گیری دیدگاه در مسائل مربوط به فقه موسیقی باشد. هرچند ممکن است گفته شود که اگر آلات موسیقی حرام باشد، هرگونه استفاده از آن حرام است؛ اما امروزه ممکن است موسیقی محصول ابزار باشد، ولی انتفاع از آن مثل استماع از طریق استفاده از آن ابزار صورت نگیرد. بنابراین، احکام فقه موسیقی به‌صورت مجزاً قابل بررسی خواهد بود.

آنچه این نوشتار به‌دنبال آن است، تطبیق روش اجتهادی شیخ انصاری به‌صورت



میز آزمایشگاهی در مسئله نوح بئر بر مسائل مربوط به فقه موسیقی است. بنابراین، با توجه به نظمی که از روش اجتهادی شیخ انصاری تبیین شد، می‌توان نظام فقه موسیقی را از مجموع ادله و دیدگاه‌های فقها، در چهار مرحله به صورت روش ظهور در میدان تحقیق به دست آورد. در نتیجه ابتدا، احتمال‌های موجود در مسئله و با توجه به ادله، ظهور در میدان تحقیق به دست آورده می‌شود و بعد از آن با بررسی موانع احتمالی موجود در برابر دلیل ترجیح داده شده به تحقیق در مسئله، دست‌یابی می‌شود. در این مقاله مسئله استماع موسیقی به عنوان یکی از مسائل نظام فقه موسیقی به عنوان مثال مطرح می‌شود.

### ۸-۱. احتمال‌های موجود در حکم مسئله استماع موسیقی

برای استنباط حکم استماع موسیقی، به عنوان حجیت اطمینانی به روش ظهور در میدان تحقیق، باید در مرحله اول با توجه به مجموع ادله، احتمال‌های موجود در حکم مسئله را تبیین کرد. برای فهم بهتر احتمال‌های دریافتی از ادله بهتر است طبق این روش، تمامی احتمال‌هایی که ممکن است بیانگر حکم استماع موسیقی باشد، تبیین شود و سپس با رجوع به ادله، احتمال‌های خاص و احتمالی که از بقیه به واقع نزدیک‌تر و قابل رجحان است و موانع احتمالی را به دست آورد و سپس با سازوکارهای اجتهادی به ارائه دیدگاه در حکم مسئله مبادرت نمود.

سخن بر سر بررسی حکم استماع موسیقی است. احتمال‌هایی که در این مسئله به نظر می‌رسد این است که آیا استماع موسیقی به صورت مطلق حرام است؟ آیا دلیلی وجود دارد که دلالت بر این کند که استماع موسیقی به صورت مطلق حرام است؟ یا این که دلیلی بر حرمت استماع موسیقی وجود ندارد و یا حداقل این که به طور مطلق حرام نیست؟ اگر هم دلیلی بر حرمت استماع موسیقی وجود دارد، آیا نوع خاصی از موسیقی منظور است؟ اگر تفاوت در نوع موسیقی منجر به تفاوت در حکم استماع موسیقی باشد، آن نوع حرام چه ضابطه‌ای دارد؟ استماع حلال موسیقی چه نوع و استماع حرام آن چه نوع است؟ ادله هر یک از احتمال‌های مطرح شده چیست؟



## ۸-۲. ارزیابی احتمال‌ها در میدان ادله

با مراجعه به ادله کتاب، سنت، عقل و اجماع می‌توان به‌طور اجمالی این مطلب را دریافت کرد که در قرآن کریم، آیه‌ای حتی به‌صورت تفسیر شده در روایات، مربوط به مسئله استماع موسیقی یافت نمی‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۴۳) برخی فقها نیز خواستند از طریق دلیل عقلی حکم هرگونه استفاده از آلات موسیقی از جمله استماع موسیقی را به‌دست آورند. (عاملی نجفی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۱۷۹) در حالی که احتمال وجود دلیل عقلی و اتفاق عقلا بر مسئله موسیقی و استماع آن کار بسیار مشکلی است؛ چراکه دیده می‌شود بسیاری از عقلا موسیقی را یک امر مطلوب می‌شمارند. دلیل اجماع را نیز می‌توان به‌صورت محصل در میان دیدگاه فقها بر حرمت استماع موسیقی از آلات و هم به‌صورت منقول از کتب فقهی به‌دست آورد. البته احتمال مدرکی بودن یا نبودن این اجماع با توجه به روایاتی که به‌عنوان دلیل چهارم از ادله شرعی در مسئله است، وجود دارد.

بنابراین ادله‌ای که در طریق استنباط حکم استماع موسیقی وجود دارد، عبارت از اجماع و روایات خواهد بود که این ادله با احتمال‌های خلاف و موانع سنجیده می‌شوند. طبق روش اطمینان‌آور ظهور در میدان تحقیق، به‌واسطه سنجش عقلا بر قابل اعتنا بودن یا نبودن موانع ممکن، به حکم نهایی مسئله دست‌یابی می‌شود.

## ۸-۳. بیان اجمالی ادله روایی در مسئله استماع موسیقی با روش شیخ انصاری

آنچه از ادله روایی مربوط به مسئله موسیقی و استماع آن است و در این نوشتار به آن استناد می‌شود، روایات باب صدم از ابواب «مایکتسب به» کتاب «وسائل الشیعه» است. (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۱۲-۳۱۶) با بررسی روایات این باب، می‌توان فهمید که اکثر آن‌ها دلالت و سند معتبر و قابل اعتنایی ندارند؛ در عین حال، دو روایت معتبر در بین روایات این باب از کتاب «وسائل الشیعه»، قابل اعتنا است؛ اما با توجه به روش اجتهادی شیخ انصاری، تنها به روایت معتبر مراجعه نمی‌شود؛ بلکه مجموع روایت‌های باب به‌عنوان احتمال‌های هرچند ضعیف مورد استفاده قرار می‌گیرد. چراکه اطمینانی که از ادله برای حکم در مسئله حاصل می‌شود، ممکن است از



فضای عمومی روایت‌های منقول از ائمه، هرچند به‌طور ضعیف دست‌یافتنی شود. به‌خصوص آن‌که میان روایت ضعیف و روایتی که مجعول و کذب است، تفاوت وجود دارد و ضعف روایت مساوی با کاذب بودن آن نیست؛ بلکه زیاد بودن روایت‌های ضعیف از جهت سندی، نشانگر پیدایش استفاضه‌ای است که به‌طور اجمالی تأییدکننده حکم مسئله خواهد بود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۴۵)

روایت اول باب مذکور دارای سند قابل استناد است: «إِنَّ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفْنَدَرُ إِذَا ضُرِبَ فِي مَنْزِلِ الرَّجُلِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا بِالْبُرْبُطِ وَ دَخَلَ عَلَيْهِ الرَّجَالُ وَصَعَّ ذَلِكَ الشَّيْطَانُ كُلَّ عَضْوٍ مِنْهُ عَلَى مِثْلِهِمْ صَاحِبِ الْبَيْتِ ثُمَّ نَفَخَ فِيهِ نَفْحَةً فَلَا يَغَارُ بَعْدَهَا حَتَّى تُؤْتَى نِسَاؤُهُ فَلَا يَغَارُ». (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۱۲) مفاد این روایت بیانگر این مسئله است که در خانه‌ای که میهمانی مردانه برقرار می‌شود و در آن مجلس موسیقی نواخته می‌شود، مرد آن خانه غیرت خود را از دست می‌دهد و حتی نسبت به تجاوز دیگران به نوامیس خود غیرتی از خود نشان نمی‌دهد.

روایت بعدی، روایت ششم از باب «تحریم ملاحی» است که از جهت سند مورد اعتماد قرار می‌گیرد. (همان، ص ۵۴۶) در روایت آمده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنَّهَاكُمْ عَنِ الرَّفْنِ وَالْمِزْمَارِ وَعَنِ الْكُوبَاتِ وَالْكَبْرَاتِ». (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۱۳-۳۱۴) آنچه ممکن است از این روایت مربوط به مسئله استماع از موسیقی شود، نهی از مزمار، کوبات و کبرات است که از آلات موسیقی هستند. نهی در اینجا صریح در حرمت است و ممکن است شامل صورت لهوی بودن صوت برآمده از این آلات شود و هم صورت غیرلهوی آن.

از مجموع سایر روایات مستفیضة موجود در این باب از کتاب «وسائل الشیعه» که دارای سند ضعیف هستند، به‌صورت متقن به‌دست می‌آید که عمل و استعمال موسیقی یک امر مذموم و مبعوض در نزد شارع است. به این معنا که اگر در حد حرمت نباشد، حتماً در حد کراهت است. بنابراین، استناد به این روایات براساس همان معیار موجود در روش اجتهادی شیخ انصاری و استفاضه‌ای که احتمال نزدیک به واقع بودن دلالت مجموع روایات ضعیف را می‌رساند، در همین حد اصل مبعوض بودن مولا است.



## ۹. دیدگاه اعلام فقها و اجماع در مسئله استماع موسیقی

شیخ انصاری، بحث از آلات موسیقی را مربوط به بحث لهُو می‌داند و برای بیان حکم آن از ادله حرمت لهُو استفاده می‌کند. ایشان حرمت استفاده از آلات لهُو مانند آلات موسیقی را به‌خاطر خصوصیت لهُو در آن‌ها می‌داند، نه نفس آلات لهُو. یعنی حرمت از این جهت است که این آلات موجب لهُو هستند. (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۶)

مجموع برداشت و تلقی امام خمینی از ادله این است که سازها و استفاده از آن‌ها اگر به‌صورت مطرب باشد، حرام است. در واقع ایشان حرمت استماع موسیقی را به‌طور مطلق و در تمام حالاتی که از موسیقی استفاده می‌شود، قبول ندارند. (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۹۹-۳۶۷)

محقق خوبی اطلاق قول به حرمت انواع و اقسام موسیقی و استماع آن را قبول ندارند؛ به این دلیل که ادله حرمت به‌صورت اطلاق را یا از جهت سندی مخدوش می‌دانند و یا این‌که نسبت به شکل‌گیری اطلاق آن‌ها نظر منفی دارند. (خوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۰)

آیت‌الله اراکی نیز به هنگام جواب به سؤالی که از استفاده طبل و سنج که از آلات موسیقی هستند، پرسیده شده بود، گفته‌اند: «استعمال آلات مشترکه در جهت محلله مانعی ندارد». (مختاری و صادقی، ۱۴۱۹ق، ص ۹۵۷) و این به این معنا خواهد بود که استماع موسیقی از آلات آن می‌تواند جهت محلله داشته باشد و از این جهت استماع آن نیز حلال باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز در رابطه با حرمت استفاده از آلات موسیقی چنین گفته‌اند: «اگر با آلات موسیقی، صوت لهُوی مضلّ عن سبیل‌الله نواخته شود که موجب انحراف فکری و عقیدتی یا افتادن در گناه شود که به‌اصطلاح ضلالت عملی است، مثل صدایی که تحریک شهوت کند، یا انسان را از عمل واجب غافل کند، این موسیقی حرام است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۲۱)

در رابطه با اجماع، به‌عنوان اجماع منقول، حتی در مورد حکم آلات موسیقی در کتاب‌های فقهی یافت نمی‌شود؛ اما چون ادعای اجماع در مسئله غنا وجود



دارد و برخی از فقها میان مسئله غنا و آلات موسیقی تفاوتی ندیدند، (نجفی، بی‌تا، ج ۴۱، ص ۵۱) می‌توان گفت که ادعای اجماع بر حرمت در مسئله غنا شامل حرمت استفاده از آلات موسیقی نیز هست؛ بلکه چه بسا بتوان با توجه به سیره مشرعه در ادوار مختلف تاریخی از تمامی مذاهب اسلامی چنین نتیجه گرفت که نه تنها در این مسئله آلات موسیقی اجماع فقها وجود داشته‌است، بلکه از نظر عامه مشرعه جوز مسلمات و واضحات شرع دیده می‌شده‌است. بنابراین، بالاتر از اجماع در مسئله موجود است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۴۴۵-۴۴۶)

### ۹-۱. ظهور در میدان تحقیق در مسئله استماع موسیقی

جوایی که می‌تواند حکم به تحریم استماع موسیقی را تقویت کند: در روایت اول، میان زوال غیرت از کسی که در خانه‌اش موسیقی نواخته می‌شود و اثبات حرمت استفاده از موسیقی و استماع آن ملازمه وجود دارد. بنابراین حکم به حرمت استماع موسیقی ثابت می‌شود.

دلالت روایت ششم از باب صدم، ابواب مایکتسب به در کتاب «وسائل الشیعه» است که از جهت سندی قابل اعتنا بود. این روایت دارای نهی صریح از استفاده از آلات موسیقی است؛ از طرفی دیگر قابل تأویل و توجیه در خلاف ظاهر خود که حرمت باشد، نیست. بنابراین ظهور در حرمت داشتن آن با توجه به استعمال ماده نهی، ثابت می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۴۰۰)

اطلاق نهی روایت مذکور از هر نوع موسیقی و هر استفاده‌ای از آن، بنا بر نهی به نفس موسیقی خورده و نسبت به این که این صوت دارای اوصافی چون لهوی بودن، مضلّ عن سبیل الله بودن و یا دارای مفسده بودن، باشد، بی تفاوت است.

از مجموع روایات مستفیضه در مسئله آلات موسیقی و استفاده از آن، مبعوض بودن مولا نسبت به این امور به دست می‌آید.

ثبوت اجماع در بین فقهای شیعه به این که استفاده از آلات موسیقی حرام است. سیره مشرعه در ادوار تاریخی بر عدم جواز استفاده و نگهداری آلات موسیقی بوده‌است.



بنابراین موارد ذکر شده، طبق روش ظهور در میدان تحقیق، از مجموع احتمال‌های بالا، حکم استماع موسیقی به‌عنوان یکی از استفاده‌های از آلات موسیقی، ظهور در حرمت پیدا می‌کند.

## ۹-۲. موانع احتمالی موجود ظهور در میدان تحقیق مسئله استماع موسیقی

اما امور شش‌گانه که تقویت‌کننده حکم حرمت بودند، با توجه به احتمال‌های دیگر ممکن است قابل نقد باشند. این احتمال‌ها از این قرار هستند:

در روایت مطرح‌شده و اجماع و سیره متشرعه ممکن است گفته شود که بحث استفاده از آلات موسیقی با مسئله استماع موسیقی تفاوت وجود دارد؛ چراکه همان‌گونه که در قبل نیز بیان شد، مسئله استماع موسیقی امری است که امروزه قابلیت بررسی به‌صورت مجزا از استفاده از آلات آن دارد. ممکن است این روایت که آورده است: «نواختن تار بر بط در منزل، موجب زوال غیرت مرد می‌شود» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۳۴۸) در رابطه با استماع موسیقی از آلت موسیقی باشد؛ اما باز هم دلالت بر حرمت این حالت از استماع موسیقی نمی‌کند؛ چراکه احتمال دلالت روایت بر حرمت با موانع قابل اعتنای جدی مواجه است:

روایت، تهدید به یک امر واقعی مانند زوال غیرت کرده است. غیرت نداشتن یک امر مذموم است؛ ولی دلیلی وجود ندارد که کاری که منجر به زوال غیرت می‌شود، حرام باشد.

ذکر نتایج عمل در لسان روایات به‌صورت تهدید، به‌طور معمول به‌معنای بیان حکم کراهت است و در روایت‌هایی که درصدد بیان حرمت عملی هستند، به‌طور غالبی بیانی از تعلیل یا تهدید و عاقبت عمل وجود ندارد.

احتمال دارد روایت از باب ارشاد به واقع بیان شده باشد؛ به این معنا که به‌طور معمول منزلی که در میهمانی‌های آن موسیقی نواخته می‌شود، نوامیس صاحب‌خانه در معرض نگاه حرام و حشر با نامحرمان قرار گیرد. بنابراین، روایت به این ارشاد می‌کند که این عمل نواختن موسیقی در میهمانی منزل، ملازم با عمل بی‌غیرتی و در معرض قرار دادن نوامیس است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۳۵۰-۳۵۱)

مجموع روایات دیگر این باب «وسائل الشیعه» نیز که دارای سند ضعیف هستند و یا مانند روایت اول باب هستند و امکان ارشادی بودن نهی در آن‌ها زیاد است؛ بنابراین، علاوه بر ضعف سند با توجه به احتمال‌های قابل اعتنای ذکر شده دارای ضعف دلالتی هم هستند. در نهایت، دسته‌ای از این روایات‌ها مانند روایت ششم که از جهت سندی بی‌اشکال است، نهی از آلات موسیقی و استفاده از آن کرده‌اند؛ اما در رابطه با این دسته از روایات‌ها نیز احتمال‌هایی وجود دارد که ممکن است حکم حرمت استفاده از موسیقی و استماع آن را مورد نقض قرار دهد:

احتمال دارد حرمت استفاده از آلات موسیقی به دلیل لهوی بودن آن باشد.

حرمت استفاده از آلات موسیقی به نحو استماع آن، اخص از این است که استماع موسیقی حرام باشد؛ چراکه ممکن است موسیقی ضبط شده باشد یا توسط دستگاه‌های رایانه‌ای ساخته شده باشد؛ بی‌آن‌که از آلات موسیقی استفاده‌ای شده باشد.

احتمال مقید بودن موسیقی حرام به نوعی خاص از موسیقی در روایات به دلیل وجود قرائنی چون:

الف: قرینه استعمال متعارف و فضای موجود؛ آلات موسیقی در دورهٔ صدور این روایت و روایت‌های مشابه، در زمان پیامبر و ائمه‌ای که در این رابطه از ایشان روایتی وارد شده است، منحصر در استفادهٔ حرام و فاسد بوده است؛ یعنی همواره یک ملازمه میان موسیقی و اعمال حرام وجود داشته است. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ص ۴۰۳) این ادعا دارای شواهد بسیار اطمینان‌آوری است.<sup>۱</sup>

ب: عنوان لهو؛ حیث تقییدی در روایات تحریم استفاده از آلات موسیقی دارد. (همان، ص ۴۰۷) در روایاتی که در کتب حدیثی در رابطه با آلات موسیقی وجود دارد، تعبیری از آلات موسیقی به عنوان «ملاهی» بوده است. همان‌گونه که در عنوان باب صدم از ابواب «مایکتسب به» کتاب «وسائل الشیعه» از عبارت «بَابُ تَحْرِیمِ اسْتِعْمَالِ الْمَلَاهِی» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۱۲) استفاده شده است که استظهار شیخ حرّ عاملی از مجموع روایات باب به حساب می‌آید.

۱. ر.ک: کتاب «اغانی» ابوالفرج اصفهانی.



ج: فقره مربوط به صناعات در روایت «تحف العقول»؛<sup>۱</sup> (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۳۲۲) در این فقره حضرت می‌فرماید: خداوند صناعتی را که همه منافع آن حرام باشد و ممحّض در فساد باشد را حرام کرده است. وقتی این سخن به عنوان یک ضابطه با روایت «وسائل الشّیعه» که نهی از آلات و مصنوعات موسیقی است، سنجیده می‌شود، بیانگر آن است که بنا بر ضابطه نهی پیامبر به آلات موسیقی، از این جهت است که استفاده از آن‌ها منحصر در عمل حرام است. پس در صورت پیدایش یک استفاده حلال، حکم حرمت از آن قابل رفع خواهد بود.

بنابراین، طبق این احتمال‌ها و قرائنی که مطرح شد، می‌توان گفت که روایت صریح در حرمت هرگونه استفاده از موسیقی نیست؛ بلکه احتمال دارد مقصود حرمت نوع خاصی از موسیقی و یا حتی حرمت ملازم‌هایی که همواره در آن زمان با موسیقی همراه بوده است، باشد.

نسبت به مبعوض بودن مستفاد از مجموع روایات مسئله موسیقی و استماع آن، می‌توان این احتمال را داد که در عین ثبوت قطعی مبعوض بودن استفاده از موسیقی در نزد شارع، این مبعوض بودن در حد حرمت در فقه کارایی نداشته باشد؛ حتی اگر این مبعوض بودن نسبت به نفس آلات موسیقی و استفاده از آن باشد.

در رابطه با اجماع نیز با توجه به روایات زیادی که در این مسئله وجود دارد، احتمال مدرکی بودن آن وجود دارد؛ چراکه مقدار کثرت روایات بر حکم یک مسئله‌ای، اجماع در آن مسئله را حداقل به صورت یک احتمال، محکوم به مدرکی بودن آن اجماع می‌کند. علاوه بر احتمال مدرکی بودن اجماع، احتمال دیگری که در دلیل اجماع در مسئله وجود دارد، این است که اجماع یک دلیل لُبی است و اطلاقی که شامل همه انواع و حالات استفاده از موسیقی و آلات آن شود، نمی‌توان فهمید. بنابراین، اطلاق حرمت از این اجماع فهمیده نمی‌شود؛ بلکه تنها ممکن است از آن همان استفاده‌ای را داشته باشیم که در استفاده از موسیقی گفته شد که یک مبعوض

۱. شیخ انصاری در ابتدای بحث مکاسب محرّمه‌ی خود، این روایت را آورده و در اکثر مسائلی که در مکاسب محرّمه مطرح کرده است، برای شناخت معنای موضوع و حکم کسب و کارها، به این روایت استناد می‌کند. درحقیقت، این روایت حکم یک قاعده‌ی عام و ضابطه‌ی کلی برای بحث‌های فقهی در مکاسب در روش اجتهاد شیخ انصاری است.

بودن از طرف مولا وجود دارد؛ ولی حد و حدود آن معلوم نیست و قدر متیقن از آن کراهت است.

سیره متشرّعه نیز مانند احتمالی که در قرائن حالیّه موجود در روایت ششم باب مطرح شد، ممکن است به جهت وجود انحصار استفاده از موسیقی در حرام باشد. بنابراین، اگر ملازمه میان عمل حرام و موسیقی برطرف شود، ممکن است سیره متشرّعه بر حرام دانستن موسیقی تغییر کند؛ همان‌گونه که دیده می‌شود در عصر حاضر از آلات موسیقی مانند طبل و سنج در عزاداری‌ها استفاده می‌شود و یا امور دیگری مانند تشویق به جهاد، متشرّعه از موسیقی استفاده می‌کنند.

### ۳-۹. بررسی احتمال‌ها و تحقیق در مسئله براساس نظام اجتهادی شیخ انصاری

برای تعیین ظهور در میدان تحقیق بر مبنای روشی که در مسئله نزع بئر از شیخ انصاری به خوبی به نمایش گذاشته شد، تمامی احتمال‌ها را با توجه به شکل‌گیری نزدیک‌ترین حکم به واقع و لوح محفوظ، می‌توان در مسئله استماع موسیقی چنین نظریه‌پردازی کرد که با توجه به تمامی احتمال‌های موجود در مسئله، در روایات چیزی که بتوان با آن اطلاق قول به حرمت جمیع حالت‌های استفاده از آلات موسیقی را به دست آورد، یافت نشد؛ بلکه ظهور در اطلاق روایات معتبره و روایات مستفیضه در مسئله، با قرائن مطرح شده به‌علاوه فتاوی‌ای اعلام فقها مردود خواهد بود. در این حالت، حکم نسبت به مسئله، لزوم اکتفا به قدر متیقن است. بنابراین، تنها مبغوض بودن مولا به اصل استفاده از موسیقی در حد کراهت و حرمت موسیقی در حالت‌هایی که با اعمال حرام ملازم است، ثابت می‌شود.

دلیل این نتیجه‌گیری از مجموع احتمال‌های موجود در مسئله این است که در هیچ‌یک از ادلّه موجود برای اثبات حرمت، استماع موسیقی به‌عنوان یک فعل جداگانه دیده نشده است؛ بلکه همواره یا به قرائن کلامی و یا قرائن حالیّه موجود در زمان صدور ادلّه، موسیقی ملازم با اعمال حرام دیده شده است. بنابراین، ادلّه روایی اجماع و سیره متشرّعه بر حرمت موسیقی دلالت کرده‌اند. این قرائن با توجه به تراکم و کثرتی که دارند، در نزد عقلا قابل اعتنا هستند. بنابراین، حتّی ظهور اطلاق حکم



حرمت تصریح شده در روایت ششم باب را از بین می برد و باعث می شود که در مسئله استماع موسیقی، حکم به حرمت در قدر متیقن از حرمت که موسیقی همراه با ملازم های حرام است، اکتفا شود.

### ۱۰. نتیجه گیری

این مطالعه با بررسی روش اجتهادی شیخ انصاری در مسئله نوح بثر و تطبیق آن بر فقه موسیقی نشان داد که رویکرد ایشان مبتنی بر تحلیل عمیق احتمال ها و ظهور ادله می تواند به عنوان الگویی مؤثر در استنباط احکام فقهی در حوزه های نوین مورد استفاده قرار گیرد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که شیخ انصاری با تکیه بر قرائن و تحلیل دقیق روایت ها، به جای اتکای صرف بر اجماع و سیره متشرعه، به احکامی دست یافت که با واقعیت های اجتماعی و فرهنگی هماهنگ تر است.

در مسئله نوح بثر، ایشان با رد دلایل مرسوم بر نجاست آب چاه، به استحباب نوح فتوا دادند. در تطبیق این روش بر فقه موسیقی مشخص شد که استماع موسیقی به خودی خود حرام نیست؛ بلکه حرمت آن در مواردی است که با اعمال حرام همراه باشد. این یافته ها تأکید می کنند که احکام فقهی باید با توجه به قرائن و تغییرات اجتماعی استنباط شوند.

کاربرد عملی این تحقیق در ارائه روشی نظام مند برای استنباط احکام فقهی در حوزه های جدید مانند فقه هنر و موسیقی است. این رویکرد می تواند به توسعه فقه نظام ساز و پاسخ گویی به مسائل پیچیده در جوامع اسلامی کمک کند. برای تحقیقات آینده پیشنهاد می شود این روش در سایر حوزه های فقه مضاف مانند فقه رسانه نیز مورد بررسی قرار گیرد تا ظرفیت های آن برای حل مسائل نوپدید ارزیابی شود. این مطالعه گامی مهم در جهت تقویت روش شناسی فقهی و تطبیق آن با نیازهای معاصر است.



## فهرست منابع

۱. ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین.
۲. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، کتاب الطهارة، ج ۱، قم: کنگره جهانی شیخ انصاری.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۴۱۵ق)، کتاب مکاسب، ج ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۴۲۸ق)، فرائد الاصول، ج ۱ و ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۵. تبریزی، جواد بن علی (۱۳۸۵)، ج ۲، استفتاءات جدید (تبریزی)، قم: سرور.
۶. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۳، قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
۷. حلّی، ابن ادریس (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. حلّی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۹. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۹ق)، نهاية الأحكام فی معرفة الأحكام، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۰. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹)، غناء و موسیقی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸)، رساله آموزشی، ج ۲، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۱۲. خمینی، روح الله (۱۳۹۲)، مکاسب المحرمة، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
۱۳. خویی، ابوالقاسم و توحیدی، محمد علی (بی تا)، مصباح الفقاهة، ج ۱، قم: انصاریان.
۱۴. سبزواری، محمد باقر (۱۴۲۳ق)، کفایة الأحكام، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. صدوق اول، علی بن بابویه (۱۴۰۶ق)، مجموعه فتاوی ابن بابویه، قم: اخلاص.
۱۶. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، ج ۱، تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
۱۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۹. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)، الخلاف، ج ۶، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. \_\_\_\_\_ (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحكام، ج ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۲۱. عاملی نجفی، سید جواد بن محمد حسینی (۱۴۱۹ق)، مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة، ج ۲۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. عاملی، حرّ (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، ج ۱، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۳. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، اللّعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة، بیروت: دارالتراث - الدار الإسلامیة.
۲۴. عاملی، یاسین عیسی (۱۴۱۳ق)، الاصطلاحات الفقھیة فی الرسائل العملیة، بیروت: دارالبلاغة للطباعة



و النشر و التوزیع.

۲۵. علیدوست، ابوالقاسم (۱۴۰۳)، روش‌شناسی اجتهاد (مطالعه مکاتب اجتهادی معاصر)، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، الکافی، ج ۱، قم: دارالحدیث.

۲۷. مجلسی اول، محمدتقی (۱۴۰۰ق)، یک دوره فقه کامل فارسی، تهران: مؤسسه و انتشارات فراهانی.

۲۸. مختاری، رضا و صادقی، محسن (۱۴۱۹ق)، غناء، موسیقی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۹. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹)، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳ق)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

۳۱. نجفی (صاحب جواهر)، محمد حسن بن باقر (بی‌تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۴۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۲. <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۹۳۱>

